

بازنمایی تاثیر مذاکرات در کاهش منازعات و افزایش همگرایی کشورهای حوزه خزر مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

عزت الله عزتی

عضو هیأت علمی گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

شهلا حسنی^۱

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۰۷/۰۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۴/۰۸

چکیده

با تشکیل کشورهای مستقل قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان در حوزه دریای خزر که در سال ۱۹۹۱ میلادی صورت گرفت، تغییراتی در نقشه‌های جغرافیای سیاسی جهان بوجود آورد و این حوزه را به خصوص بعد از تخمین میزان قابل توجه انرژی در آن، به مهمترین کانون ژئوپلیتیکی جهان بویژه در منطقه تبدیل نمود. همین عامل ژئواکونومیکی منازعاتی را در این حوزه ایجاد کرده است از جمله این منازعات می‌توان به مالکیت منافع اشاره کرد. تغییر مالکیت خزر بعد از فروپاشی اتحاد شوروی از دو کشور (ایران و شوروی) به پنج کشور (ایران، روسیه، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان) زمینه شکل‌گیری مذاکراتی را در بین کشورهای این حوزه فراهم آورده است. محتوای این مذاکرات در ابتدا با انگیزه رفع و یا کاهش منازعات و حرکت به سوی همگرایی از سوی این کشورها بوده است اما توجه به منافع ملی از سوی این کشورها مانع از این تصمیم شده است. در جنوب و غرب این حوزه دو کشور جمهوری اسلامی ایران، جمهوری آذربایجان قرار دارند که بیش از هفتصد کیلومتر با یکدیگر مرز خشکی و آبی دارند و مانند سایر کشورها به دنبال کسب منافع بیشتر از این حوزه برای خود هستند. اتخاذ این استراتژی از جانب هر دو کشور طبعاً منجر به افزایش واگرایی بین آنها می‌شود. از آنجائیکه منافع حاصل از حوزه خزر مربوط به پنج کشور می‌باشد، لذا تحقیق حاضر علاوه بر بررسی اهمیت ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه خزر بطور اعم و کشورهای جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران به طور اخص، سعی در بیان این نکته دارد که عناصر تأثیر گذار در همگرایی‌ها و توجه بیشتر به منافع دریای خزر می‌تواند مبنایی منطقی در مذاکرات مربوط به تعیین رژیم حقوقی دریای خزر باشد و مآلاً با کاهش واگرایی‌ها، موجبات افزایش همکاری‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی را فراهم آورد

واژگان کلیدی: منافع ملی، مالکیت منافع، همگرایی، منازعه، حوزه خزر

مقدمه

بعد از پایان جنگ سرد به خصوص در قرن حاضر منطقه خزر بعنوان هارتلند جدید از موقعیت ژئوپلیتیک خاصی برخوردار شده است. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این حوزه، به حوزه مشترک پنج کشور روسیه، قزاقستان، آذربایجان، ترکمنستان و ایران تغییر پیدا کرده است. وجود منابع بالقوه و حتی بالفعل موجود در این حوزه از یک سو و اهمیت یافتن روزافزون انرژی در جهان از سوی دیگر می‌تواند زمینه همگرایی و واگرایی‌ها را فراهم نماید. در ظاهر امر شاید بتوان گفت که منابع انرژی عامل و منشأ همگرایی‌ها و واگرایی‌های حوزه خزر است ولی باید به این نکته مهم توجه داشت که علاوه بر موقعیت ژئواکونومیکی، حوزه خزر موقعیت‌های دیگری نیز دارد فی‌المثل: کشورهای این حوزه با وسعتی در حدود بیش از ۲۲ میلیون کیلومتر مربع و جمعیتی در حدود ۲۵۰ میلیون نفر می‌توانند از اهمیت ژئوپلیتیکی ثابت و متغیر برخوردار گردند. از میان کشورهای این حوزه جمهوری اسلامی ایران پل ارتباطی قفقاز به خلیج فارس و آب‌های آزاد است و جمهوری آذربایجان بر سر راه‌های ارتباطی غرب و شرق قرار گرفته است. لذا می‌توان گفت که منطقه دریای خزر قلب اوراسیاست و اوراسیا قلب هارتلند می‌باشد (احمدیان، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

بعد از تخمین حدودی میزان انرژی خزر، تصمیم‌گیری در خصوص مسائل این دریا از جمله مسائل زیست محیطی، رژیم حقوقی و... را با مشکل مواجه می‌سازد. به نظر می‌رسد مالکیت منافع هر پنج کشور از جمله ایران و آذربایجان مانع از یک تصمیم‌گیری درست و منطقی در باره این حوزه مشترک و موجب تقویت بی‌اعتمادی بین کشورهای این حوزه است. همین عامل در روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان نیز تأثیر گذاشته است. بطور مثال ایجاد و تقویت امکانات توریستی و گردشگری، گسترش صادرات غیر نفتی، و... نمونه‌هایی از فعالیت‌هایی است که تحت تأثیر انرژی و درآمد حاصل از آن در این حوزه واقع شده است

مقاله حاضر می‌کوشد تا به این موضوع بپردازد که کشورهای حوزه خزر از جمله جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان از چه طریقی می‌توانند همگرایی خود را در این حوزه افزایش دهند و توجه به منافع خزر به جای منافع فردی کشورها تا چه میزان در همگرایی این دو کشور موثر است.

چارچوب نظری پژوهش

همگرایی که به نوعی یکپارچه سازی اجزاء می‌باشد فرایندی است که منجر به شکل‌گیری وضعیتی خاص شده و می‌تواند اشکال مختلف منطقه‌ای، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و... داشته باشد

همگرایی منطقه‌ای به معنای در هم آمیزی اقتصادی، سیاسی و استراتژیک کشورها در منطقه ویژه‌ای برای پدید آوردن یک نظام منطقه‌ای یکپارچه است. یکی از ویژگی‌های دوران بعد از جنگ سرد که رابرت ماندل نیز آن را مورد تأکید قرار داده است، وابستگی متقابل منطقه‌ای و افزایش موج منطقه‌گرایی است (عزتی، ۱۳۸۶: ۷۸).

در قرن حاضر، از پیامدهای جهانی شدن بین‌المللی کردن بازارهای جهانی است که منجر به شکل‌گیری محیط‌های رقابتی می‌شود. در این محیط تنها واحدهای اقتصادی قدرتمند و کارآمد بقاء خواهند داشت. از این رو

دولت‌های ملی به منطقه‌گرایی روی می‌آورند تا از این طریق اقتصاد خود را در مقابل مشکلات جهانی حفظ کنند و به مزیت رقابتی در بازارهای جهانی دست یابند. همگرایی منطقه‌ای منجر به افزایش فعالیت‌ها بین کشورها می‌شود. از سوی دیگر مزایای مشارکت سازمان‌های منطقه‌ای در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بسیار با اهمیت بوده است. این همگرایی علاوه بر فعالیت‌های اقتصادی، نقش مهمی را در مقابله با بحران‌های منطقه‌ای نیز ایفا نموده است (آذربایجان، ۱۳۸۱: ۱۵۵-۸۸).

همگرایی در ابعاد مختلف قابل بررسی است همگرایی اقتصادی - همگرایی‌های منطقه‌ای می‌تواند به همگرایی‌های اقتصادی بیانجامد و موجب تسریع در رشد کشورهایی گردد که از نظر شاخص‌های اقتصادی، فاصله بیشتری با کشورهای پیشرو و توسعه یافته دارند. همگرایی اقتصادی به مسئله اتحادیه‌های گمرکی مربوط می‌شود و اینکه آیا رفع تعرفه‌ها و موانع گمرکی در میان گروهی از کشورها می‌تواند عامل رشد اقتصادی آنها شود؟ در این رابطه متغیرهایی مانند سطح اشتغال، توانایی اقتصادی، ساختار صنعت مورد بررسی قرار می‌گیرد. گروهی از اندیشمندان همگرایی اقتصادی را در سطح مناطق بعنوان یک استراتژی رشد برای کشورهای در حال توسعه مطرح می‌کنند (کولای، ۱۳۷۹: ۱۵۷).

همگرایی سیاسی - فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی به طور داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک صرف‌نظر کرده از یک قدرت فوق ملی پیروی می‌کنند. در مورد همگرایی در خط و مشی‌ها، اقدام هماهنگ و همساز گروهی از کشورها در این زمینه شاخص همگرایی سیاسی و سطح آن است در همگرایی سیاسی کشورهای همگرا سعی دارند که در مسائل جهانی، سیاست‌های مشترک و واحدی را از خود ارائه دهند. همگرایی اجتماعی - به منظور تسهیل در همگرایی اقتصادی بیشتر مورد توجه است. همگرایی اجتماعی بیشتر به ارتباطات فردی و اشکال مختلف آن مانند تجارت، توریسم، ارتباطات پستی و مخابراتی توجه دارد (افضلی، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

یک از عوامل همگرایی در حوزه خزر می‌تواند عامل ژئواکونومیک متقابل باشد به این معنا که کشورهای این حوزه به لحاظ اقتصادی وابستگی شدیدی به ایران خواهند داشت و در مقابل ایران نیز در بازارهای جدید گزینه‌ای بهتر از کشورهای منطقه نخواهد داشت. با تشکیل اتحادیه‌های همگرایی منطقه‌ای، کشورهای عضو قدرت مانور بسیار بالایی خواهند داشت بخصوص آنکه این کشورها محاط در خشکی هستند (عزتی، ۱۳۸۹: ۴).

واگرایی - عبارت است از فرایندی که طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از همدیگر دور شده و در اثر آن زمینه‌های بحران و جنگ فراهم می‌آید. در واگرایی، کشورها برای تأمین بهتر منافع خود و افزایش ضریب امنیتی، تمایلات فرامنطقه‌ای بیشتری از خود نشان می‌دهند (رضایی، ۱۳۸۹: ۵۰-۱۹).

می‌توان گفت همانگونه که عواملی سبب توسعه همکاری و برقراری اتحاد بین واحدهای سیاسی متفاوت می‌شود عوامل مختلفی نیز در واگرایی و ایجاد تعارض میان دولت‌ها موجب می‌شود که آنها را از یکدیگر دور ساخته و زمینه‌های بحران را فراهم آورند (قوام، ۱۳۷۱: ۲۵۴).

از نمونه‌های واگرایی می‌توان به نفوذ بیگانگان در یک منطقه، تعارضات ایدئولوژیک، پابندی صرف به منافع ملی اشاره کرد. به بیان دیگر در واگرایی متغیرهای گوناگونی وجود دارد که عبارتند از عوامل انسانی، روانی، اجتماعی، واحدهای سیاسی بین‌المللی، متغیرهای اجتماعی بین‌المللی (افضلی، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

اصل اساسی همگرایی و واگرایی امنیت است. به عقیده «باری بوزان» مجاورت جغرافیایی دو یا چند کشور، سیاست امنیتی خاصی را الزام آور می‌سازد (سریع‌القلم، ۱۳۸۵: ۴۴-۲۲).

دیگر نظریه پردازان وابستگی متقابل بر این عقیده هستند که دو فاکتور تعارض و تشریک منافع می‌تواند از عوامل موثر در شکل‌گیری همکاری‌های منطقه‌ای میان واحدهای سیاسی باشند. از منظر این عده تعارض منافع موجب می‌شود تا دولت‌ها بعنوان یک واحد سیاسی موجودیت خود را حفظ کنند. از سوی دیگر زمینه‌های مشترک، منافع دولت‌ها را به همکاری و تعاون و می‌دارد. بنابراین توجه به منافع مشترک میان کشورهای منطقه می‌تواند بستر ساز گسترش همکاری‌ها در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی باشد (منفرد، ۱۳۸۵: ۲۵).

ویژگی‌های جغرافیایی خزر

خزر پهنه‌ای آبی است که از جنوب به ایران، از شمال به روسیه، از غرب به روسیه و جمهوری آذربایجان و از شرق به جمهوری‌های ترکمنستان و قزاقستان محدود می‌شود. بزرگترین پهنه آبی محصور در خشکی است. طول آن حدود ۱۰۳۰ تا ۱۲۰۰ کیلومتر و عرض آن بین ۱۹۶ تا ۴۳۵ کیلومتر است. سطح دریای خزر پائین‌تر از سطح دریاهای آزاد است و اکنون (ابتدای سده بیست و یکم) در حدود ۲۷ متر پایین‌تر از سطح دریا است. خط ساحلی دریا حدود ۷ هزار کیلومتر، مساحت آن ۳۷۱ تا ۳۸۶ هزار کیلومتر مربع و حجم آب آن نیز ۷۸۷۰۰ کیلومتر مکعب است. از حدود ۴۴۰۰ کیلومتر خط ساحلی دریای خزر ۶۹۵ کیلومتر آن در روسیه، ۶۰۰ کیلومتر در جمهوری آذربایجان، ۸۲۰ کیلومتر در ایران، ۶۵۰ کیلومتر در ترکمنستان و ۱۶۰۰ کیلومتر در قزاقستان واقع است. دلتاهای ولگا، ترک و سولاک مهمترین عوارض سواحل دریای خزر در روسیه هستند. مجموع حوضه آبریز خزر ۳/۵ میلیون کیلومتر مربع است. آب ورودی سالیانه به دریای خزر حدود ۳۰۰ کیلومتر مکعب است (پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی).

دریای خزر در گذر زمان

دریای مازندران در تاریخ به نام‌های گوناگون قابل شناسایی بوده است از جمله کاسپین که نام اقوامی ساکن در سواحل این دریا بوده است. خزرها نیز اقوامی ترک بودند که در این منطقه سکونت داشتند. طبرستان هم برگرفته از اقوام تپورهای بومیان ایران بوده است. روسیه قرن‌ها پس از اسلام در قرن ۱۵ میلادی با دریای مازندران آشنا شدند. همزمان با قدرت یافتن آریاییان، ایران بر این دریا مسلط شد. از آن زمان تا دوره معاصر خزر تحت تاثیر تحولات سیاسی متعددی قرار گرفت. قدیمی‌ترین قرارداد بین ایران و روسیه که به مسئله دریای خزر اشاره دارد مربوط به ۱۷۳۲ میلادی است که مقرر می‌دارد چنانچه کشتی تجاری متعلق به اتباع روسیه در مازندران خسارتی ببیند، دولت ایران موظف است که در حد امکان نجات کشتی کمک کند و اجازه توقف کشتی‌های تجاری روسی در بنادر خود را جهت تخلیه کالا و بارگیری قائل شود. پس از پیروزی بولشویک‌ها اقدامات سیاسی انجام گرفت از

جمله عهدنامه «مودت» و دوستی بر اساس این قرارداد هر دو دولت بالسویه حق کشتیرانی آزاد در زیر بیرق‌های خود در بحر خزر پیدا کردند. در ضمن در ۱۹۲۷ موافقت‌نامه‌ای میان دو کشور ساحلی در رابطه با ماهی‌گیری در دریای مازندران بسته شد و اعلام شد که این دریا بین ایران و روسیه است و به روی کشورهای ثالث بسته خواهد شد. در ۱۹۴۰ اصل برابری حاکمیت و تساوی حقوق دو کشور تأکید شد و دریای مازندران به دریای ایران و شوروی نام برده شد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تحولات گسترده‌ای را در سطوح جهانی و منطقه‌ای در پی داشت.



نقشه شماره ۱: کشورهای حوزه خزر

منبع: mashregh news

یکی از این تحولات تقسیم کشورهای ساحلی دریای مازندران از دو کشور به پنج کشور بود و تقسیم دریای مازندران و تعیین رژیم حقوقی حاکم بر آن مطرح شد. و تبدیل مالکیت خزر از دو کشور به پنج کشور و بررسی مسائل مختلف این حوزه شکل گرفت (میرسنجری، ۱۳۸۸).

۲- مروری بر منابع خزر

۲-۱- منابع تجدیدپذیر همانطور که می‌دانیم خزر تنها دریاچه لب شور جهان است و به همین خاطر انواع ماهیان رودخانه‌ای که از نظر کیفیت غذایی بسیار مرغوب هستند در این دریا پرورش می‌یابند. همچنین بخش مهمی از بهترین خاویار جهان از ماهیان این دریا به دست می‌آید. ۹۳ درصد از ذخیره خاویار و ماهیان خاویاری جهان را در خود جای داده است. این حوزه از عوامل کسب درآمد و یکی از راه‌های فعالیت اقتصادی و کسب غذای اقوام حاشیه خزر بوده است از دیدگاه صاحب نظران، دریای خزر تنها پهنه آبی در جهان است که دارای دو نوع طلای سیاه یعنی خاویار و نفت می‌باشد (نامی، ۱۳۸۹: ۲۱).

۲-۲- منابع تجدیدناپذیر

یکی از منابع مهم این دریا؛ ذخایر نفت و گاز می‌باشد که در زیر بستر دریا واقع شده است ذخایر تایید شده خزر جمعاً حدود ۲۰۰ میلیارد بشکه نفت و ۲۷۹ تریلیون فوت متر مکعب گاز طبیعی است. گرچه بیشتر تحلیلگران نفتی رقم ۹۰ میلیارد را برای نفت این منطقه بکار می‌برند (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۲۱۷).

۳- حوزه‌های آبریز دریای خزر

مساحت حوضه‌ی آبریز خزر در مجموع ۳/۵ میلیون کیلومتر مربع می‌باشد که در بین کشورهای ایران، ترکمنستان، آذربایجان، روسیه و مقداری از خاک ترکیه توزیع شده است. رودخانه‌های مهمی که از بخش‌های مختلف ساحل خزر وارد این دریاچه می‌شوند عبارتند از:

- رودخانه ولگا، اورال، امبا در بخش شمالی

- رودخانه‌های بخش غربی شامل کورا، اترک، سولاک

- رودخانه‌های سواحل جنوبی خزر چون سفید رود، هراز، ارس (پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی)

۴- اهمیت ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه خزر با تمرکز به مدیریت منابع:

کشورهای حوزه دریای خزر از موقعیت‌های متفاوتی برخوردار هستند.

بطور مثال کشورهایمانند روسیه و ایران علاوه بر اهمیت ژئواکونومیکی، از موقعیت ژئواستراتژیکی نیز برخوردار هستند و یا آذربایجان پل ارتباطی بین آسیا و اروپاست بنا بر این هر کدام از این کشورها می‌توانند بر وزن ژئوپلیتیکی خزر بیافزایند

در شمال و شمال غرب این دریا کشور وسیع روسیه واقع شده است این کشور با مساحتی حدود ۱۷ میلیون و نهصد هزار کیلومتر مربع پهناورترین کشور جهان است که حدود ۱۱/۵ درصد سطح خشکی‌های کره زمین را به خود اختصاص داده است روسیه با آب‌های آزاد اقیانوس کبیر، منجمد شمالی و از طریق دریای بالتیک با اقیانوس اطلس در ارتباط است. همینطور با ۱۴ کشور آسیایی و اروپایی مرز مشترک دارد. بعلاوه با آب‌های خزر، ژاپن، برینگ، بالتیک مرز دریایی دارد. جمعیت این کشور بر طبق آمار ۲۰۱۰ میلادی حدود ۱۴۲ میلیون نفر است. روسیه از نظر صادرات نفت رتبه دوم جهانی، از نظر میزان ذخایر نفتی رتبه هشتم جهانی را دارا می‌باشد (Federal 2010 State of Russi).

در شمال و شمال شرقی دریای خزر کشور وسیع قزاقستان با وسعت ۲، ۷۲۴، ۹۰۰ کیلومتر مربع واقع شده است. این کشور بزرگترین کشور محصور در خشکی است ولی با کشورهای وسیعی مانند چین و روسیه مرزهای طولانی دارد همینطور با کشور پرجمعیتی مانند چین هم مرز است. جمعیت این کشور در حدود ۱۶، ۴۳۰۰۰۰ نفر است و در رتبه شصت و دوم جهان قرار دارد. قزاقستان یک کشور آسیایی - اروپایی است ولی بخش زیادی از این کشور در آسیا واقع شده است. اقتصاد این کشور تا حد زیادی به بخش کشاورزی متکی است.

این کشور از لحاظ منابع زیرزمینی بسیار غنی است، از سال ۱۹۹۳ تاکنون بیش از ۴۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی در این بخش انجام شده است. تخمین زده می‌شود که قزاقستان صاحب دومین منابع بزرگ از نظر اورانیوم، کروم، روی و سرب و سومین در منگنز، چهارمین در مس و در مورد زغال سنگ، آهن و طلا نیز در بین ۱۰ کشور اول دنیا قرار می‌گیرد. و همچنین از نظر صادرات نفت رتبه هجدهم و از نظر ذخایر نفتی رتبه یازدهم جهانی را داراست (کتاب حقایق جهان ۲۰۱۰).

در شرق این حوزه ترکمنستان واقع شده است وسعت این کشور ۴۸۸۱۰۰ کیلومتر مربع وسعت و جمعیت این کشور در سال ۲۰۱۰ در حدود ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر برآورد شده است. ترکمنستان محصور در خشکی است و ایران نزدیکترین راه ارتباطی این کشور با آب‌های آزاد است. ترکمنستان در فهرست چهار کشور بزرگ تولید کننده گاز طبیعی قرار دارد و ذخائر اثبات شده گاز این کشور ۲۰۰۰ میلیارد متر مکعب گاز است که مقام چهاردهم جهان را دارد. ذخایر گازی این کشور تقریباً در تمام خاک این کشور پراکنده است (کتاب حقایق جهان ۲۰۱۰).

جمهوری آذربایجان در غرب این حوزه واقع شده است مساحت این کشور ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع و یکصد و سیزدهمین کشور از نظر مساحت است. این کشور نیز در خشکی محصور شده است. و از طریق گرجستان با دریای سیاه و از طریق ترکیه با دریای مدیترانه و از طریق ایران با خلیج فارس و دریای عمان و اقیانوس هند می‌تواند ارتباط دریایی داشته باشد. بر اساس آمار ۲۰۱۰ جمعیت این کشور ۸، ۹۹۷، ۴۰۰ نفر بر آورد شده است. این جمهوری پل ارتباطی آسیای مرکزی با اروپا و جهان غرب است و در مسیر جاده تاریخی ابریشم قرار دارد و در حال حاضر ابتکار عمل اروپا در ارائه طرح تراسیکا برای ارتباط با آسیای مرکزی نقش موصلاتی موقعیت ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان را دو چندان کرده است و با این طرح بعنوان جاده ابریشم قرن بیست و یکم نام گرفته است. این جمهوری با روسیه، ایران و گرجستان مرز مشترک دارد (قلی زاده، ۱۳۴: ۱۳۹۰-۱۱۱).

جمهوری اسلامی ایران در جنوب حوزه خزر واقع شده است به جرأت می‌توان گفت که یکی از کشورهای استراتژیک حوزه خزر است این کشور بر طبق آمار ۲۰۱۰ با ۷۷ میلیون نفر جمعیت و ۱، ۶۴۸، ۱۹۵ کیلومتر مربع مساحت، از کشورهای مهم این حوزه است این کشور از جنوب با خلیج فارس و دریای عمان ارتباط دریایی دارد. و دارای ذخایر نفتی و گازی قابل توجه در کناره خلیج فارس است تنگه استراتژیک هرمز در جنوب این کشور واقع شده است و یکی از راه‌های ارتباطی مناسب برای ارتباط دادن آسان و سریع کشورهای محصور خزر با آب‌های آزاد است. ج. ا. از نظر ذخایر گازی رتبه اول جهانی را دارد و سومین کشور صادر کننده نفت جهان است و از نظر تولید مس رتبه دوازدهم جهانی را دارد (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۳۰-۲۳).

در مجموع می‌توان گفت حوزه خزر از شرایطی خاص برخوردار است از جمله:

- مساحتی در حدود ۲۲۰ میلیون کیلومتر مربع را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.
- جمعیتی در حدود ۲۵۰ میلیون نفر را در بر می‌گیرد
- برخی از کشورهای این حوزه مانند روسیه و ایران بطور مستقیم با آب‌های آزاد در ارتباط هستند و عامل مهم نقل و انتقال کالا و انرژی و مسافر می‌تواند محسوب شود.
- بدون احتساب انرژی موجود در بستر و زیر بستر دریای خزر، کشورهایمانند روسیه و ترکمنستان و ایران دارای منابع انرژی در سایر نقاط هم می‌باشند.
- بطور بالقوه هرکدام از این کشورها می‌توانند بازار مصرف مناسبی برای تولیدات کشورهای این حوزه باشند
- اکثریت این کشورها از نظر عقیدتی دارای اشتراکاتی هستند
- اشتراکات فرهنگی به ویژه در ایران و آذربایجان و حتی ترکمنستان عامل تقویت همگرایی‌ها در این حوزه می‌گردد.
- حوزه خزر از طریق کشورهای واقع در این حوزه می‌تواند آب‌های آزاد (اقیانوس هند، اطلس، کبیر و حتی منجمد شمالی) در ارتباط باشند.

بررسی اجمالی نشست‌هایی که بین نمایندگان کشورهای حوزه خزر در قالب کار گروه‌ها، وزرای امور خارجه که در پایتخت کشورهای این حوزه برگزار شده است بیانگر این است که استراتژی کشورهای حوزه خزر رسیدن به اجماع و تقویت همگرایی بین کشورها بوده است بطوریکه در اولین جلسات کار گروه‌ها به بررسی مسائل زیست محیطی، تعیین حوزه‌های ماهیگیری، استفاده صلح آمیز از دریا، مسئولیت دولت‌ها در برابر نسل‌های کنونی و آینده و... معطوف شده بود.

جدول شماره ۱ رتبه جهانی کشورهای حوزه خزر بر اساس صادرات نفت

منبع کتاب حقایق جهان	رتبه جهانی	میزان صادرات (بشکه در روز)	کشور	ردیف
2010	2	5,010,000	روسیه	۱
2010	3	2,950,000	ایران	۲
2009	18	1,345,000	قزاقستان	۳
2007	28	528,900	آذربایجان	۴
2007	78	40,000	ترکمنستان	۵

منبع: کتاب حقایق جهان ۲۰۱۰ میلادی

جدول شماره ۲ رتبه کشورهای حوزه خزر بر اساس ذخایر گاز طبیعی (کتاب حقایق جهان)

سال	رتبه	میزان ذخایر	کشور	ردیف
2013	1	۱۷/۹۳ درصد	ایران	۱
2013	2	۱۷/۵۶ درصد	روسیه	۲
2010	4	۳/۹۵ درصد	ترکمنستان	۳
2010	15	۱/۲۷ درصد	قزاقستان	۴
2010	26	۰/۴۵ درصد	جمهوری آذربایجان	۵

منبع: کتاب حقایق جهان، ۲۰۱۰ میلادی

جدول شماره ۳ رتبه جهانی کشورها بر اساس ذخایر نفتی

رتبه جهانی	ذخایر نفتی (درصد)	کشور	ردیف
4	۹/۸۸	ایران	۱
8	۵/۳۳	روسیه	۲
11	۲/۱۵	قزاقستان	۳
19	۰/۰۵	جمهوری آذربایجان	۴
43	۰/۰۴	ترکمنستان	۵

cia.gov/library

جدول شماره ۴ میزان تولید گندم کشورهای حوزه خزر

سال	مقدار تولید (به تن)	کشور	ردیف
2009	۶۱/۷	روسیه	۱
2009	۱۷	قزاقستان	۲
2009	۱۳/۵	ایران	۳
2008	۲/۷	ترکمنستان	۴
2009	۱/۲	جمهوری آذربایجان	۵

منبع: شورای بین المللی گندم، ۲۰۱۰ میلادی

جدول شماره ۵ رتبه جهانی کشورهای حوزه خزر بر پایه تولید مس (زمین شناسی بریتانیا)

رتبه	کشور	ردیف
۷	روسیه	۱
۱۱	قزاقستان	۲
۱۲	ایران	۳
	جمهوری آذربایجان	۴
	اترکمنستان	۵

منبع: زمین شناسی بریتانیا، ۲۰۰۸ میلادی

بعد از نشست‌های ۱۹۹۸ کار گروه‌ها و نمایندگان کشورهای اختلاف نظرهایی در مورد نحوه بهره برداری از منابع و امکانات خزر در بین کشورها پدیدار شد و هر کدام از کشورها بر اساس منافع ملی خود از یک یا دو نوع از انواع تعیین رژیم حقوقی حمایت کردند از جمله جمهوری اسلامی ایران طرفدار مشاع بودن دریا و اختصاص ۱۰ تا ۴۵ مایل دریای بعنوان «منطقه انحصاری» برای کشورها حوزه خزر بود طرح مشاع در ابتدا مورد توافق روسیه و ترکمنستان نیز بود. موضع جمهوری آذربایجان، تقسیم دریای خزر به پنج قسمت است که در قانون اساسی آن کشور از سهم خود بعنوان «منطقه ملی» آذربایجان در دریای خزر یاد کرده است (پیشگامی فرد، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

آذربایجان معتقد است که دریای خزر مانند سایر دریاچه‌های جهان از جمله چاد ماهیت دریاچه‌ای داشته است و باید بر اساس خط میانی تقسیم گردد. نتایج مذاکرات منتشر شده در جراید و نظریاتی که نمایندگان کار گروه‌ها در مصاحبه‌های مطبوعاتی بیان کرده‌اند، حاکی از دقت نظر این نمایندگان برای کاهش منازعات و حرکت به سوی همگرایی است بررسی‌ها بیانگر این موضوع است که بیشترین زمان این جلسات به بررسی موضوع تقسیم منابع خزر به خصوص منابع انرژی اختصاص یافته است. بیش از بیست نشست با موضوع بحث و بررسی رژیم حقوقی بدون صدور هیچ توافق نامه‌ای خاتمه یافته است. از آنجا که موافقت نامه‌های امنیتی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و گردشگری، زمینه‌های نزدیکی و همگرایی بین کشورهای یک منطقه و یا حوزه را افزایش می‌دهد، در نشست کار گروه‌ها و وزرای امور خارجه کشورها کمتر مورد توجه قرار گرفته است بطوریکه در مجموع این نشست‌ها توافقی در رابطه با گردشگری و فعالیت‌های علمی بین نمایندگان کشورهای این حوزه صورت نگرفته است. مذاکرات نظامی صورت گرفته در این جلسات که بیشتر از جانب نمایندگان روسیه مطرح شده است، نشان از حضور نیروهای فرامنطقه‌ای و احساس نوعی ناامنی در بین کشورهای این حوزه می‌باشد. بطوریکه در نشست ۲۰۰۴ مسکو، نمایندگان ایران و روسیه مخالفت خود را از حضور بیگانگان در دریای خزر اعلام و تاکید کردند که دریای خزر باید دریای صلح و دوستی باشد. با اینکه بیشتر موضوعات این نشست‌ها به بحث رژیم حقوقی خزر اختصاص یافته و حتی زمینه‌های واگرایی بین کشورها را تقویت نموده است ولی برخی از توافقات این نشست‌ها بیانگر تمایل کشورهای این حوزه به همگرایی است. از جمله محورهای اصلی نشست‌های ۲۰۰۳ آلمانی، ۲۰۰۴ مسکو، ۲۰۰۵ باکو که علاوه بر بحث رژیم حقوقی و فعالیت‌های اقتصادی در بستر و زیر بستر دریا، مسائل دیگری که منافع خزر را نیز در بر می‌گرفت از جمله کشتیرانی تجاری، محیط زیست و مسائل گمرکی مسیر ترانزیت ولگا رود را نیز شامل می‌شد. علاوه بر نشست کار گروه‌ها و وزرای امور خارجه کشورهای حوزه خزر بعد از استقلال این کشورها سه

نشست نیز در سطح سران کشورها در عشق آباد، تهران و باکو برگزار شده است. توافقات امضاء شده این سه نشست بیانگر تمایل سران به همگرایی کشورهای این حوزه است. بیش از ۹۰ درصد ماهیان خاویاری در حوزه خزر تولید می‌شود که در آمد ارزی قابل توجهی را می‌تواند برای کشورهای حوزه خزر داشته باشد در حالیکه واگرایی‌ها و توجه صرف به منافع ملی کشورها، توجه به حفظ آبزیان منحصر به فرد این حوزه را در درجه چندم اهمیت قرار داده است بطوریکه از مجموع این نشست‌ها این موضوع چندان بررسی نشده و مذاکرات انجام شده نیز در محدوده‌های ماهیگیری کشورها بوده و بعد از خطر انقراض ماهیان خاویاری در نشست‌های ۲۰۰۹ به بعد ممنوعیت ماهیگیری از جانب کشورهای حوزه خزر اعلام شده است (آرشیو روزنامه اطلاعات ۱۳۹۲-۱۳۷۳).

جدول شماره (۶) بررسی وضعیت اجلاس کارگروه‌ها

۱۹۹۱	توافق بر تشکیل دبیر خانه	منافع خزر
۱۹۹۲	تشکیل کمیته‌های فنی و تخصصی	منافع خزر
۱۹۹۲	تعیین قلمروهای دریایی	منافع خزر و کشورها
۱۹۹۳	توافق بر تعیین قلمروهای دریایی کشورهای همجوار	منافع ملی
۱۹۹۴		منافع خزر و کشورها
۱۹۹۵	توافق کشورها بر حوزه‌های ماهیگیری	منافع ملی
۱۹۹۵	بررسی و حل مشکلات موجود بر سر راه تقسیم منابع نفتی دریای تشکیل شد تفاهم نامه ایجاد شرکت برای انجام عملیات اکتشاف و استخراج نفت و گاز به امضاء	منافع ملی
۱۹۹۶	سه کشور ایران، روسیه و ترکمنستان.	منافع ملی و خزر
۱۹۹۶	توافق شکل گیری گروه کاری ویژه	منافع ملی و خزر
۱۹۹۶	اکثر مباحث حول مسائل محیط زیست بود. اما در اثنای جلسه مشخص شد که آذربایجان بشدت بدنبال تقسیم دریا به بخش‌های ملی در میان کشورهای ساحلی است.	منافع خزر
۱۹۹۷	توافق بر کنوانسیون مبنی بر اصول استفاده صلح آمیز از دریا، حاکمیت برابر در دریای خزر، استفاده معقولانه از منابع و مسئولیت دولت‌ها در برابر نسل فعلی و آینده مورد تاکید قرار گرفت و رد اقدامات یک جانبه از سوی کشورها	منافع خزر
۱۹۹۸	اختلاف در دیدگاه‌ها در باره استفاده از خزر	منافع ملی
۲۰۰۱	تهیه پیش نویس بیانیه اجلاس سران کشورهای حاشیه بدون حضور ترکمنستان خزر بیان نقطه نظرات کشورهای ساحلی در باره مالکیت خزر و تاکید روسیه بر محیط	منافع ملی و خزر
۲۰۰۱	زیست و محدودیت ماهیگیری در خزر	منافع ملی و منافع خزر
۲۰۰۱	تهیه پیش نویس بیانیه اجلاس سران کشورهای حاشیه خزر	منافع ملی
۲۰۰۲	توجه به رژیم حقوقی دریای خزر	منافع ملی
۲۰۰۳	موافقاتی در باره رژیم حقوقی، گمرکی و محیط زیست	منافع کل کشورها و منافع ملی
۲۰۰۳	تاکید بر افزایش محدودیت مالکیت ملی	توجه به منافع ملی
۲۰۰۳	تاکید بر نحوه تقسیم حوزه خزر	توجه به منافع ملی
۲۰۰۳	جلسه موضوع کنوانسیون حقوقی به ویژه مقدمه کنوانسیون و سه ماده آن مورد بررسی قرار گرفت. در مقدمه موضوع اساسی آن	توجه به منافع کشورها و منافع ملی
۲۰۰۳	بررسی مکانیسم‌های منطقه‌ای، جلوگیری از نظامی‌گری، مبارزه با تروریسم، و مبارزه	منافع ملی
۲۰۰۴	با الودگی محیط زیست	منافع ملی کشورها و خزر
۲۰۰۴	تعیین رژیم حقوقی دریای خزر.	منافع ملی
۲۰۰۴	مذاکرات حول محور فعالیت‌های نظامی، تقسیم منابع، ذخایر و ماهیگیری	منافع ملی کشورها و خزر
۲۰۰۴	توافق کشور ساحلی توافق کردند این دریا بعنوان دریای صلح و ثبات و دوستی باشد	منافع خزر
۲۰۰۴	توافق در مورد کشتیرانی تجاری و کنوانسیون هواشناسی دریای خزر	منافع ملی کشورها و خزر

2005	درباره بحث رژیم حقوقی دریای خزر برگزار شد	منافع ملی
2005	طرح مسائلی مانند شیوه تقسیم منابع بستر و زیر بستر دریا، تعریف مناطق ملی و انحصاری ماهیگیری، محدوده مشترک در سطح دریا، وضعیت نظامی خزر، ترانزیت	منافع ملی کشورها و خزر
2005	ازاد از ابراهام، شرایط احداث خطوط لوله از بستر دریا	منافع ملی
2005	اختلاف طرف‌ها در مورد مفاد اصولی طرح قراردادها هنوز باقی مانده است	منافع ملی
2006		منافع ملی کشورها و منافع خزر
2007	امضاء بیانیه تهران	منافع ملی
2008	مواضع کشورهای خود در باره رژیم حقوقی، مهمترین مسائل و ابعاد مختلف در دریای خزر	منافع ملی
2008	افزایش همکاری‌ها و تحکیم مناسبات میان کشورهای ساحلی است	منافع ملی و منافع خزر
2009	در باره نحوه تقسیم بستر و زیر بستر دریای خزر، کشتیرانی، مسائل اقتصادی و زیست محیطی	منافع ملی و منافع خزر
2009	نشست سران بدون حضور ایران	منافع چهار کشور حوزه خزر
2009	در این نشست مسائل امنیتی مانند مرزبانی، مبارزه با تروریسم، مواد مخدر، قاچاق انسان و کالا و همینطور صید غیر قانونی ماهیان بررسی شد	منافع ملی و منافع خزر
2009	موضوعاتی مانند رژیم حقوقی، عرض خزر، تعیین بستر دریا جهت استفاده از منابع، وضعیت حضور نیروهای نظامی در این دریا، چگونگی ترانزیت از طریق کانال روسیه	منافع ملی
2010	بررسی رژیم حقوقی خزر	منافع ملی
2010	هدف تدوین همکاری‌های امنیتی در دریای خزر	منافع ملی
2010	بدون توافق	منافع ملی
2010	توافق کار بر روی پیش نویس رژیم حقوقی خزر به پایان رسیده است	منافع ملی
2011	این اجلاس ویژه تدوین رژیم حقوقی دریای خزر برگزار شد	منافع ملی
2012	بررسی رژیم حقوقی خزر	منافع ملی کشورها
2013	بررسی رژیم حقوقی خزر	منافع ملی کشورها

منبع: آرشیو روزنامه اطلاعات ۱۳۹۲-۱۳۷۳

جدول شماره (۷) نتایج اجمالی نشست سران کشورهای حوزه خزر

توضیحات	شرکت کنندگان	محل نشست	تاریخ
این اجلاس بدون امضاء سند و اعلامیه نهایی به پایان رسید	روسیای جمهوری روسیه، ایران، قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان	عشق آباد	۲۰۰۲
در این اجلاس دوسند امضا شد: اعلامیه نهایی اجلاس که شامل یک مقدمه و ۲۵ ماده است و سند دوم سند سه جانبه ریلی بین ایران، ترکمنستان و قزاقستان بود.	روسیای جمهوری روسیه، ایران، قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان	تهران	۱۷ اکتبر ۲۰۰۷
توافق روسای سران در مورد کردند بررسی‌های کارشناسی لازم برای تعیین عرض جغرافیایی و حدود حق حاکمیت پنج کشور عضو از دریای خزر، ممنوعیت صید ماهیان خاویاری نیز برای مدت پنج سال.	روسیای جمهوری روسیه، ایران، قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان	باکو	۱۸ نوامبر ۲۰۱۰

منبع: آرشیو روزنامه اطلاعات ۱۳۹۲-۱۳۷۳

مروری بر تنش‌های ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

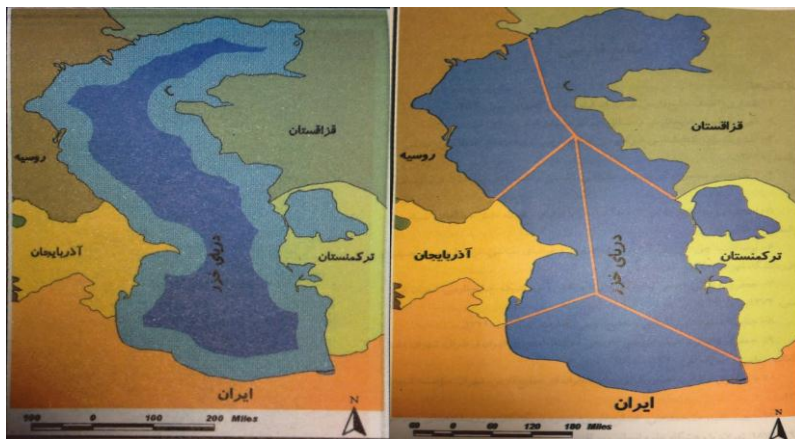
۱- رژیم حقوقی خزر

بخش مهمی از قابلیت‌های اقتصادی جمهوری آذربایجان از طریق اقتصاد جغرافیایی یا ژئواکونومیک شکل می‌گیرد. این کشور به لحاظ اقتصادی وابستگی کامل به منابع انرژی حوزه خزر دارد و برای رسیدن به اهداف اقتصادی خود، استراتژی‌هایی را انتخاب کرده است که عموماً منافع کشورهای حوزه خزر به خصوص ایران که حدود ۷۰۰ کیلومتر

با این کشور مرز مشترک دارد را مورد تهدید قرار می‌دهد. در حوزه خزر این دو کشور اختلافاتی دارند که زمینه‌هایی واگرایی را بین آنها تقویت می‌کند عدم تعیین رژیم حقوقی، ترکیبات قومی، تهدیدات امنیتی، ضعف سیستم اداری و شبکه‌های ارتباطی و... از جمله این اختلافات است. به نظر می‌رسد که تعیین رژیم حقوقی دریای خزر می‌تواند زمینه‌های همگرایی در کل منطقه، و بخصوص ایران و آذربایجان را افزایش دهد. در طول این سه دهه پیشنهادات مختلفی از سوی کشورها برای تعیین رژیم حقوقی خزر ارائه شده است از جمله: اصول و قواعد ناظر بر حقوق دریاها برای تحدید مناطق دریایی دریای خزر، تقسیم کل دریاچه به واحدهای ملی مستقل، رژیم حقوقی کاندومینیوم یا حاکمیت مشترک، رژیم چند گانه (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۲۲).

هر کدام از کشورها نیز براساس منافع ملی خود از یکی از رژیم‌های حقوقی حمایت کرده است. بطور مثال ایران بیشترین تمایل را به مشاع بودن دریا داشته و به قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ استناد می‌کند. در حال حاضر از تقسیم دریا به پنج قسمت مساوی حمایت می‌کند. در این صورت سهم ایران از خزر ۲۰ درصد خواهد بود و ایران از ذخایر انرژی این حوزه بهره خواهد برد. مشخص نبودن مرزها کشورهای حوزه خزر در دریای مازندران در نتیجه عدم تعیین رژیم حقوقی مدون، مسائل و مشکلاتی را برای کشورهای همسایه به بار آورده و حتی تهدیدهای نظامی را به دنبال داشته است. این منازعات رویاروی کشورهای همسایه را به منظور حل و فصل مسائل متقابل آنها با مشکل روبه رو کرده است.

بطور مثال اختلاف دو کشور ایران و آذربایجان بر سر حوزه‌های نفتی مشترک، مانع از آن شده که این دو کشور به حل و فصل اختلافات و انعقاد قراردادهایی که هر دو طرف می‌توانند از آن در جهت منافع ملی خود استفاده نمایند بپردازند این دیدگاه منجر به حوادثی مانند رویارویی ناو ایرانی با دو کشتی آذری در در حوزه البرز (۱۳۸۰) شد. علاوه بر نتایج نشست کار گروه‌ها که در جدول شماره (۶) آمده است، مذاکرات بین این دو کشور نیز بیانگر آن است که این مذاکرات در ابتدا با انگیزه کسب منافع بیشتر از جانب هر دو کشور پی گیری شده ولی با عمیق تر شدن تنش‌ها، انگیزه ادامه حل و فصل اختلافات از جانب هر دو کشور رو به کاهش گذاشته است. به جرأت می‌توان گفت که این مذاکرات نتیجه چندان قابل قبولی برای دو کشور نداشته است (جدول شماره ۸).



نقشه شماره (۳)

نقشه شماره (۲)

- نقشه شماره (۲) تقسیم دریای خزر به قسمت‌های مساوی (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۴: ۱۴۳).
- نقشه شماره (۳) تقسیم دریای خزر بر مبنای مشاع و منطقه ۴۵ مایلی انحصای دولت‌های ساحلی (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

۲- روابط تجاری ایران و جمهوری آذربایجان

در نظام کنونی بین الملل توسعه و بقای کشورها به میزان همکاری، مشارکت و همگرایی آنها بستگی دارد. سطح و کیفیت این همگرایی با ویژگی‌های ژئوپلیتیک، ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای واقع در یک منطقه ارتباط مستقیمی دارد. ایران و جمهوری آذربایجان در این زمینه از امتیازات زیادی برخوردار هستند هر دو کشور به لحاظ اقتصادی و تجاری می‌توانند در توسعه پایدار یکدیگر سهیم باشند. یکی از شاخصه‌های مهم روابط تجاری بین کشورها میزان مبادلات آنه با یکدیگر است بررسی جامعه آماری بیانگر آن است که مهمترین شرکای تجاری جمهوری آذربایجان، و اتحادیه اروپا، هند، چین و کره جنوبی شرکای تجاری مهم ایران هستند. اشکای تجاری جمهوری آذربایجان، و اتحادیه اروپا، هند، چین و کره جنوبی شرکای تجاری مهم ایران هستند. این بررسی حکایت از این دارد که دو کشور بعد از سه دهه استقلال جمهوری آذربایجان، کشورهای دیگری را بعنوان شرکای تجاری خود انتخاب کرده‌اند. این دو کشور حدود ۷۰۰ کیلومتر مرز مشترک آبی و خشکی دارند و به لحاظ ژئوپلیتیکی بسترهای مناسبی برای توسعه روابط تجاری بین این دو فراهم است، ولی بهره کافی از این امکانات فراهم نشده است (جدول شماره ۹).

جدول شماره (۸) خلاصه‌ای از دیدارهای دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

منبع: آرشیو روزنامه اطلاعات ۱۳۹۲-۱۳۷۳

نتیجه مذاکرات	محور مذاکرات	سطوح دیدار	مکان	تاریخ
بدون توافق	حوزه البرز	مذاکرات کارشناسی در مورد دریای خزر و بهره برداری مشترک از خزر	باکو	۱۳۸۰
نیاز به امضاء سندی نبوده است	تدارک مقدمات سفر رئیس جمهور آذربایجان به ایران	وزیر توسعه نمایندگان ایران با نخست وزیر و	باکو	۱۳۸۰
بدون توافق	مبنای تعیین مرز دو کشور. ایران مبنای مستقیم و آذربایجان مبنای ساحلی شکسته را برای مرز بندی مطرح کرد	نمایندگان ایران و جمهوری آذربایجان	تهران	۱۳۸۱
بدون توافق	ایران به دنبال تثبیت سهم بیست درصدی از خزر است	نمایندگان دو کشور	باکو	۱۳۸۱
-	امضاء ده سند همکاری	دیدار رؤسای جمهور دو کشور	باکو	۱۳۸۳
-	دستور توقف برنامه‌های سیاسی و انتقادی شبکه آذری زبان سحر	دیدار نماینده ایران با مقامات	باکو	۱۳۸۹
-	تأکید بر حل و فصل مشکلات مرزی و تشکیل کمیته‌های مرزی	دیدار وزرای امور خارجه و رؤسای جمهور	باکو	۱۳۹۱
-	مقدمات دیدارهای دو جانبه	سفر رئیس نهاد ریاست جمهوری آذربایجان به ایران	تهران	۱۳۹۲
بدون امضاء توافق	تأمین منافع مشترک و حل و فصل اختلافات در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت	سفر رئیس جمهور آذربایجان به ایران	تهران	۱۳۹۳
این موضوع در دست بررسی است و قراردادی بسته نشده است	مشارکت ایران در پروژه گازی شاه دنیز	مقامات نفت و گاز دو کشور	تهران	۱۳۹۳

جدول شماره (۹) مهمترین شرکای تجاری کشورهای حوزه خزر

شرکای تجاری	شرکای تجاری	شرکای تجاری	شرکای تجاری	شرکای تجاری
قزاقستان	ترکمنستان	جمهوری آذربایجان	ایران	روسیه
چین	آمریکا	روسیه	اتحادیه اروپا	آمریکا
ایتالیا	روسیه	ترکیه	چین	فرانسه
فرانسه	چین	آلمان	عراق	آلمان
هلند	ایران	چین	امارات	چین
روسیه	آذربایجان	آمریکا	هندوستان	اتحادیه اروپا
آمریکا	ترکیه	اکراین	افغانستان	بریتانیا
آلمان	اکراین	انگلیس	کره جنوبی	ایتالیا
اکراین		ایتالیا	ژاپن	
همتیان، ۱۳۹۲	اتاق بازرگانی، صنایع و معادن تهران ۲۰۱۳	کمیته دولتی آمار جمهوری آذربایجان ۲۰۱۰	گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲	اتاق بازرگانی، صنایع و معادن تهران ۲۰۱۳

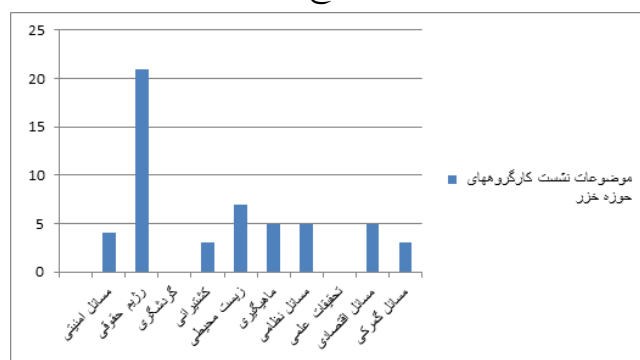
۳- روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

جمهوری اسلامی از نظر تاریخ، زبان، مذهب و حتی موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی از اشتراکاتی برخوردار هستند. این اشتراکات می‌تواند در همگرایی‌های این دو کشور تأثیر مثبت بگذارد هر دو کشور به لحاظ ژئواستراتژیکی از موقعیت ارتباطی و گذرگاهی برخوردار هستند. جمهوری اسلامی ایران پل ارتباطی آسیای مرکزی و قفقاز با حوزه خلیج فارس و آب‌های آزاد و جمهوری آذربایجان پل ارتباطی کشورهای منطقه با اروپاست. در حدود ۱۲ تا ۱۵ میلیون نفر از جمعیت ایران را آذری‌زبانان تشکیل می‌دهند و با حدود ۸ میلیون آذری‌زبان جمهوری آذربایجان اشتراک زبانی دارند. بیشترین جمعیت هر دو کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند.

این عناصر فرهنگی می‌تواند موجب تقویت روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی بین دو کشور گردد. یکی از راه‌های تبادل فرهنگی در عصر کنونی اکوتوریسم و رسانه‌ها هستند. تبادل افکار و عقاید و در نتیجه الگوپردازی و الگوسازی در رفتار از طریق رسانه‌ها سریع‌تر صورت می‌گیرد. امروزه هر نوع رسانه‌ها با کارایی متفاوت (تلویزیون، شبکه‌های اینترنتی و...) در سرعت انتقال مفاهیم و تغییر رفتارهای اجتماعی نقش مهمی را ایفا کرده است.

گردشگری تأثیر چشمگیری هم به لحاظ اقتصادی و هم فرهنگی در مناطق مختلف دارد. یکی از اثرات مهم اقتصادی این رشد سریع اشتغالزایی می‌باشد که در توسعه و گسترش فرصت‌های شغلی برای اقشار مختلف جامعه مؤثر بوده است (تعریف و اهمیت گردشگری، مرکز مطالعات خلیج فارس) علاوه رشد اقتصادی حاصل از گردشگری، به دلیل اشتراکات فرهنگی و جغرافیایی توسعه گردشگری می‌تواند در رفتارهای اجتماعی هر دو کشور تأثیر بگذارد. بررسی نشست کار گروه‌های حوزه خزر بیانگر آن است که در بخش گردشگری و توسعه صنعت توریسم، علاوه بر اینکه در کشورهای حوزه خزر تفاهمی ایجاد نشده است بلکه دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان نیز با داشتن مرزهای مشترک و اشتراکات دینی و قومی در زمینه گردشگری بسیار ضعیف عمل

شده است. آمارهای مربوط به گردشگری بیانگر آن است که در سال جدید بنا به گفته وزیر فرهنگ و گردشگری ترکیه بیش از یک میلیون ایرانی طی ۸ ماه به ترکیه سفر کرده‌اند (عصر ایران، ۱۳۹۳). در حالیکه وزیر فرهنگ و گردشگری جمهوری آذربایجان از کاهش گردشگران ایرانی که به آذربایجان سفر کردند خبر داد و تعداد آنها را بیش از ۴۰۰ هزار نفر اعلام کرد (خبرگزاری آران ۱۳۹۲). از سوی دیگر آمارهای ارائه شده از سوی معاون گردشگری ایران حاکی از این است که کشورهای اول در تعداد گردشگر خارجی ورودی به ایران، کشورهای عراق آذربایجان، افغانستان، ترکیه، پاکستان، ترکمنستان، عربستان سعودی، کویت و هندوستان بوده است. با توجه به موارد عنوان شده به نظر می‌رسد عواملی مانند محدودیت‌های گمرکی، تنش‌های سیاسی، یکسان نبودن ارزش پول دو کشور و... در نامتوازن بودن تعداد گردشگران دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان تأثیر گذار بوده است. در حالیکه گردشگران جمهوری آذربایجان بعد از عراق دومین جمعیت گردشگری را در ایران تشکیل می‌دهند، در جمهوری آذربایجان این رقم نه تنها افزایش نداشته، بلکه سیر نزولی هم پیدا کرده است نمودار شماره (۱) بیانگر این مطلب است که گردشگری در نشست کارگروه‌ها از هیچ اولویتی برخوردار نیست.



نمودار شماره (۱) موضوعات نشست کارگروه‌های حوزه خزر

منبع: آرشیو روزنامه اطلاعات ۱۳۹۲-۱۳۷۳

در صورتیکه مهمترین شهرهای بندری که می‌تواند سهم زیادی در جذب توریست کشورهای حوزه خزر داشته باشد در سواحل این دریا قرار گرفته‌اند.

تحلیل نتایج

جغرافیای اقتصادی در امتداد جغرافیای سیاسی بر این نکته تأکید دارد که نقاط مشخصی در جهان وجود دارند که اگر توان تکنولوژیک و زیر بناهای اقتصادی در آنها وجود داشته باشد عمران و توسعه در آن منطقه انجام می‌پذیرد. براساس این نظریه، از دیدگاه ژئوپلیتیکی دریای خزر در قلب زمین (هارتلند) قرار گرفته است و توسعه اقتصادی، اجتماعی و منطقه‌ای می‌تواند از نظر اقتصادی این دریاچه بزرگ جهانی را به کانون مهم اقتصادی تبدیل نماید. خزر یک حوزه ژئواکونومیکی است که هم دارای منابع تجدیدپذیر و هم تجدید ناپذیر است.

همگرایی منطقه‌ای منجر به رشد اقتصادی و توسعه پایدار کشورهای این حوزه خواهد شد و واگرایی‌ها به تعارض‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی دامن خواهد زد. به بیان دیگر موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی دریای خزر شرایط را برای همکاری‌های مشترک و رسیدن به همگرایی تقویت می‌نماید. با توجه به

موقعیت ممتازی که خزر در نظام ژئوپلیتیک شکل گیرنده جهانی قرن بیست و یکم کسب کرده است و می‌رود نقش پر اهمیتی در نظام جهانی پست مدرن بر عهده بگیرد. ضروری است که این موقعیت مورد بررسی بیشتری قرار بگیرد و عواملی را که در تشدید واگرایی کشورهای این حوزه تاثیر گذار هستند را مورد بررسی قرار داده و به تقویت همگرایی‌ها در این حوزه کمک شود.

با توجه به اسناد آماری جمع آوری شده و تجزیه و تحلیل آنها، نکات زیر قابل توجه می‌باشد:

- یکی از اشکال همگرایی منطقه‌ای، همگرایی اقتصادی است و لازمه این استراتژی، تقویت روابط اقتصادی کشورهای حوزه خزر با همدیگر است. در چنین شرایطی کشورهای این حوزه به آسانی می‌توانند از طریق جنوب و شمال خزر (ایران و روسیه) به آب‌های آزاد دسترسی داشته و با ارتباط با بازارهای جهانی روند مبادلات اقتصادی خود را تسهیل نمایند. همانطور که بیان شد دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان در سایه همگرایی با یکدیگر می‌توانند در این زمینه نقش مهمی ایفا کنند. پیشنهادات متنوعی در سال‌های اخیر به منظور صدور انرژی حوزه خزر مطرح شده است. ایران موقعیت ژئوپلیتیکی مناسبی جهت صدور منابع انرژی حوزه خزر به بازارهای جهانی دارد. از جمله این پیشنهادات، احداث خط لوله ۱۶۰۰ مایلی «تنگیز» تا «خارک» و همچنین احداث خط لوله ۵۰۰ مایلی از آذربایجان به ایران می‌باشد که در صورت تحقق، تاثیر قابل ملاحظه‌ای در افزایش رشد اقتصادی کشورهای حوزه خزر خواهد گذاشت. تحولاتی که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم ایجاد شده است، ارتباط با کشورهای همسایه از جمله آذربایجان تقویت شده و تنش‌ها رو به کاهش گذاشته است. نمونه بارز کاهش تنش‌ها را می‌توان در دیدار رئیس جمهور آذربایجان از ایران و در مرحله بعد پیشنهاد مشارکت ۱۰ درصدی ایران در پروژه گازی «شاه دنیز» می‌توان دید. از جمله مهمترین پیامدهای صنعت توریسم، توزیع ثروت در میان ملت‌های جهان است و در وضعیت مالی و اندوخته ارزی دولت‌ها و تراز پرداخت‌هایشان تاثیر بسزایی دارد. از اثرات مثبت توسعه این صنعت، رشد اقتصادی بنادر و سواحل و تبادلات فرهنگی کشورهای این حوزه است. وجود اقوام متنوع در شهرهای حاشیه خزر، چشم‌انداز فرهنگی خاصی را در این حوزه ایجاد کرده است. توسعه اکوتوریسم منجر به تعامل این اقوام با یکدیگر شده و همگرایی‌ها را تقویت خواهد نمود. در واقع صادرات نامرئی از طریق صنعت توریسم در رشد اقتصادی این کشورها بسیار موثر خواهد بود.

- خزر بزرگترین دریاچه ای است که شوری آب آن کمتر از همه دریاچه‌های شور دنیاست و سالیان درازی است که ماهی‌های استروژن را در خود جای داده است. این ماهی‌ها با تخم ریزی در رودخانه‌های حوزه‌های آبخیز خزر و یا از طریق روش‌های مصنوعی تکثیر شده و از منابع در آمد ساکنان سواحل محسوب می‌گردد در سالیان گذشته و قبل از افزایش آلودگی‌ها ۹۰ درصد ماهیان خاویاری از این دریا استخراج می‌شد. خاویار سیاه بطور عمده در دریای خزر یافت می‌شود. با توجه به اینکه نرخ یک کیلو گرم خاویار معادل بیست بشکه نفت خام است (هر یک کیلو خاویار معادل ۲۰۰۰ دلار ارزیابی شده است) لذا توجه به حفظ محیط زیست منحصر به فرد خزر و جلوگیری از آلودگی‌ها، شرایط را برای پرورش و صدور این ماده ارزشمند فراهم کرده و در آمد ارزی قابل توجهی را برای کشورهای

ساحلی ایجاد می‌کند. این در آمد از طریق منابع تجدید پذیر بدست می‌آید و در سایه همگرایی می‌توان بطور اصولی اقدام به تکثیر، پرورش و استخراج این منابع ارزشمند تجدید پذیر نمود. واگرایی دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان به آلودگی‌ها دامن زده و زندگی جانوری این حوزه را به مخاطره می‌اندازد. بطور مثال ایران آلودگی‌های نفتی سواحل گیلان را ناشی از دکل‌های فرسوده جمهوری آذربایجان می‌داند، در مقابل جمهوری آذربایجان آلودگی‌های نفتی خزر در سواحل ایران را به دلیل اکتشافات نفتی خود ایران می‌داند.

- از دیگر عوامل همگرایی از جمله همگرایی ایران و جمهوری آذربایجان، مبادلات تجاری بین کشورهای حوزه خزر است. جدول شماره ۱۰ شرکای تجاری کشورهای حوزه خزر را نشان می‌دهد. مهمترین شرکای تجاری این کشورها خارج از حوزه خزر هستند. روسیه، ترکیه و آلمان از مهمترین شرکای تجاری جمهوری آذربایجان، و اتحادیه اروپا، هند، چین و کره جنوبی شرکای تجاری مهم ایران هستند. توجه به ظرفیت‌های درون منطقه خزر منجر به گسترش همکاری‌های منطقه‌ای می‌گردد از جمله همکاری‌های این دو کشور خواهد شد.

تحولاتی که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم ایجاد شده است، ارتباط با کشورهای همسایه از جمله آذربایجان تقویت شده و تنش‌ها رو به کاهش گذاشته است. نمونه بارز کاهش تنش‌ها را می‌توان در دیدار رئیس جمهور آذربایجان از ایران و در مرحله بعد پیشنهاد مشارکت ۱۰ درصدی ایران در پروژه گازی « شاه دیز » می‌توان دید. از جمله مهمترین پیامدهای صنعت توریسم، توزیع ثروت در میان ملت‌های جهان است و در وضعیت مالی و اندوخته ارزی دولت‌ها و تراز پرداخت‌هایشان تأثیر بسزایی دارد. از اثرات مثبت توسعه این صنعت، رشد اقتصادی بنادر و سواحل و تبادلات فرهنگی کشورهای این حوزه است. وجود اقوام متنوع در شهرهای حاشیه خزر، چشم‌انداز فرهنگی خاصی را در این حوزه ایجاد کرده است. توسعه اکوتوریسم منجر به تعامل این اقوام با یکدیگر شده و همگرایی‌ها را تقویت خواهد نمود. در واقع صادرات نامرئی از طریق صنعت توریسم در رشد اقتصادی این کشورها بسیار موثر خواهد بود.

- خزر بزرگترین دریاچه‌ای است که شوری آب آن کمتر از همه دریاچه‌های شور دنیاست و سالیان درازی است که ماهی‌های استروژن را در خود جای داده است. این ماهی‌ها با تخم ریزی در رودخانه‌های حوزه‌های آبخیز خزر و یا از طریق روش‌های مصنوعی تکثیر شده و از منابع در آمد ساکنان سواحل محسوب می‌گردد در سالیان گذشته و قبل از افزایش آلودگی‌ها ۹۰ درصد ماهیان خاویاری از این دریا استخراج می‌شد. خاویار سیاه بطور عمده در دریای خزر یافت می‌شود. با توجه به اینکه نرخ یک کیلوگرم خاویار معادل بیست بشکه نفت خام است (هر یک کیلو خاویار معادل ۲۰۰۰ دلار ارزیابی شده است) لذا توجه به حفظ محیط زیست منحصر به فرد خزر و جلوگیری از آلودگی‌ها، شرایط را برای پرورش و صدور این ماده ارزشمند فراهم کرده و در آمد ارزی قابل توجهی را برای کشورهای ساحلی ایجاد می‌کند. این در آمد از طریق منابع تجدید پذیر بدست می‌آید و در سایه همگرایی می‌توان بطور اصولی اقدام به تکثیر، پرورش و استخراج این منابع ارزشمند تجدید پذیر نمود. واگرایی دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان به آلودگی‌ها دامن زده و زندگی جانوری این حوزه را به مخاطره می‌اندازد. بطور مثال ایران آلودگی‌های

نفتی سواحل گیلان را ناشی از دکل‌های فرسوده جمهوری آذربایجان می‌داند، در مقابل جمهوری آذربایجان آلودگی‌های نفتی خزر در سواحل ایران را به دلیل اکتشافات نفتی خود ایران می‌داند.

- از دیگر عوامل همگرایی از جمله همگرایی ایران و جمهوری آذربایجان، مبادلات تجاری بین کشورهای حوزه خزر است.

- رقابت در تعیین رژیم حقوقی خزر و تلاش کشورها با هدف دستیابی به حداکثر منافع، توان بالقوه کشورها را در همکاری‌های سازنده منطقه‌ای برای کسب منافع متقابل ضعیف نموده و روند واگرایی کشورهای منطقه را سرعت خواهد بخشید و در نتیجه ایجاد بی‌اعتمادی، کشورها به نظامی‌گری روی آورده و مجدداً بی‌اعتمادی‌ها باز تولید خواهند شد. به نظر می‌رسد مهمترین عامل واگرایی که مسائل توریسم، ماهیگیری، روابط تجاری و زیست محیطی را در این حوزه از جمله بین دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان تحت الشعاع خود قرار داده است، مسئله تعیین رژیم حقوقی این دریاست. اگر کشورهای این حوزه در این زمینه به اجماع برسند و تا حدودی از منافع ملی خود در جهت منافع خزر و حفظ این منطقه ارزشمند چشم پوشی نمایند، نه تنها از منافع بیشتری در بلند مدت برخوردار خواهند شد، بلکه همگرایی‌ها منجر به حفظ ثبات و افزایش امنیت این کشورها خواهد شد بدیهی است که تعیین رژیم حقوقی خزر مربوط به ۵ کشور ساحلی است و در آذربایجان در خشکی و رودخانه نیز مرز مشترک دارند، کاهش این تنش‌ها راه را برای مبادلات اقتصادی مرزی هموارتر خواهد نمود و ضریب امنیتی هردو کشور را افزایش خواهد داد.

پیشنهادات

دریای خزر حوزه‌ای است که اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی آن موقعیت منحصر به فردی را برایش ایجاد کرده است. ضمن اینکه پنج کشور ساحلی را در کنار یکدیگر قرار داده، بی نظیرترین آبزیان را به مثابه یک منبع تجدید پذیر با ارزش اقتصادی قابل توجه در خود جای داده است. مهمترین کشورهای دارای منابع انرژی در کنار این حوزه قرار گرفته‌اند که برخی از آنها به راحتی با آب‌های آزاد و بازارهای جهانی در ارتباط هستند. پتانسیل توسعه صنعت توریسم که موجبات رونق اقتصادی کشورهای حوزه خزر از جمله ایران و آذربایجان را فراهم خواهد کرد یکی دیگر از امتیازات برجسته این دریاست. رودخانه‌هایی که به خزر می‌ریزند مهمترین مکان پرورش و تکثیر آبزیان می‌باشند. با توجه به موارد فوق امید فراوان می‌رود که نمایندگان کشورهای ذی‌مدخل در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر با درک عمیق از منابع متعدد این حوزه حیاتی و با نگاهی فراملی، موجبات افزایش همگرایی و کاهش واگرایی کشورهای خزر را فراهم آورند و بدانند که فقط توجه به منابع انرژی در این حوزه و کم توجهی به سایر منابع آن می‌تواند خسارت‌های جبران ناپذیری بر این پهنه نیلگون، زیبا و با ارزش طبیعت وارد آورد. در این راستا دو کشور همسایه جنوب این حوزه یعنی ایران و جمهوری آذربایجان نیز می‌توانند در سایه اعمال سیاست‌های منصفانه در تعیین رژیم حقوقی خزر و همچنین تلاش در توسعه اشتراکات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی در جهت افزایش هر چه بیشتر همگرایی میان دو کشور گام بردارند.

منابع

- آذربایجان، کریم، (۱۳۸۸). جهانی شدن، همگرایی اقتصادی - منطقه‌ای و تأثیر آن بر رشد کشورهای حوزه دریای خزر و جمهوری‌های قفقاز، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۱
- امیر احمدیان، بهرام، (۱۳۸۳). تحولات ژئوپلیتیکی قفقاز پس واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مجموعه مقالات نخستین کنگره علمی انجمن ژئوپلیتیک ایران
- افضلی، رسول و محمد جانی، مصطفی (۱۳۸۷). همگرایی و واگرایی سیاسی در حوزه کاسپین و حوزه‌های پیرامونی آن، فصل نامه مطالعات سیاسی، شماره ۱
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی دریاها با تأکید بر آب‌های ایران، انتشارات دانشگاه تهران،
- رمضانی، سید رحمت و محرابی، علیرضا (۱۳۸۹). ژئوپلیتیک دریای خزر و واگرایی کشورهای ساحلی، فصل نامه علوم سیاسی: مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۲.
- سریع القلم، محمود، (۱۳۸۵). تبدیل ژئوپلیتیک جنگ به ژئوپلیتیک صلح، فصل نامه ژئوپلیتیک، سال دوم شماره سوم و چهارم قوام، سید عبدالعلی (۱۳۷۱). اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران، انتشارات سمت
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹). ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید).. تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم
- کمپ، جفری، هارکاوای، رابرت (۱۳۸۳). جغرافیای استراتژیک خاورمیانه. ترجمه سید مهدی حسینی متین، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- کولایی، الهه (۱۳۷۹). تحول در نظریه‌های همگرایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، تابستان، شماره ۴۸.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۶). نظریه‌های جدید جغرافیای سیاسی، انتشارات قومس.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۹). جغرافیای سیاسی استراتژیک ایران جلد دوم، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- قلی زاده، علی ولی (۱۳۹۰). اهمیت اقتصادی جمهوری آذربایجان در چشم‌انداز توسعه منطقه آزاد ارس، فصل نامه آسیای مرکزی و قفقاز. شماره ۷۳.
- مجتهد زاده، پیروز، (۱۳۸۶). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، انتشارات سمت.
- میر فخرایی، سید حسن (۱۳۸۳). رژیم حقوقی دریای خزر از واگرایی تا همگرایی، نشریه پژوهش حقوق، شماره ۱۰
- میر سنجری، مهرداد (۱۳۸۰). حقوق ملی ایران در دریای خزر، سایت تابناک.
- منفرد، سید قاسم (۱۳۸۵). امکان سنجی شکل‌گیری ترتیبات امنیتی مشترک در حوزه دریای خزر، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- نامی، محمد حسن (۱۳۸۹). محمد حسن نامی، جایگاه دریای خزر در استراتژی جهانی با تأکید بر قرن ۲۱، ناشر زیتون سبز و سهره.
- همتیان، زهرا (۱۳۹۲). امور بین الملل اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی جمهوری اسلامی ایران.
- همشهری آنلاین (۱۳۹۱). نشست سران کشورهای خزر کد مطلب ۲۰۰۲۷۴

[British Petroleum World Oil Productio 2006](#)

[State Statistical Committee of Azerbaijan](#)

[State Statistical Committee of Azerbaijan](#)

<https://www.cia.gov/library>

<http://www.jamtown.org>. Fiyer, 2001, the legal regime farid rauf oylo sha

Representation of Negotiations impact on Reducing Conflicts and Increasing Convergence between Islamic Republic of Iran and Republic of Azerbaijan

E. Ezati

Faculty member, Dept. of Geography, Islamic Azad University,
Science & Research Branch, Tehran, Iran

Shahla Hassani*

Ph.D. student of Political Geography, Islamic Azad University,
Science & Research Branch, Tehran, Iran

Abstract

By Establishment of three new independent countries Turkmenistan, Kazakhstan and republic of Azerbaijan in 1991 many changes happened in the geo- economic map of the world. This basin has transformed to the most important geo-political game. Leading factor has brought about conflicts in this basin that one is the very Ownership interests, mentioned that change of Caspian Ownership after collapse, and from two countries to five countries (Iran IR, Russia, Azerbaijan, Turkmenistan and Kazakhstan) has provided formation of negotiations among the countries. The content of such negotiations in initial aimed to remove and/or reduce conflicts, moving towards convergence on the behalf of the countries so as to take advantage of Macroeconomic benefits of this area in the light of this convergence. Taking national interests into consideration by the countries at this basin mentioned one of the barriers to adopt decisions in order to reach convergence and reduce conflicts at this basin. Observations indicate that each country has provided suggestions and strategies so as to realize its national interests that such suggestions do not span interests of Caspian basin. It seems that this aim (convergence of countries in Caspian basin) requires forming a view based on protecting interests in Caspian basin and not just national interests by the countries. This study followed by an investigation into procedure of negotiations, proposes this point that taking the national interests into consideration by the representatives of the countries in determining the legal regime is the leading factor which led to neglect of interests in Caspian basin, and this has overshadowed infrastructures of convergence among the countries. Yet, adopting the strategies by which interests in Caspian basin placed in top priority would get help to provide national interests for beneficiary countries.

Keywords: National interests, Ownership interests, Convergence, Conflict, Caspian basin

* (Corresponding author) Shs.hasani @yahoo.com